

هفت آسمان در قرآن

مقدمه و فهرست مطالب

جوّی که زمین را فرا گرفته و در اصطلاح علمی اتمسفر (Atmosphere) نامیده می‌شود، در سوره‌های متعددی از قرآن، به عنوان یکی از آیات الهی، برای انگیزش اندیشه و شناخت گرداننده عالم مطرح شده است. در اشارات، ۹ بار به هفتگانه بودن این چتر محافظتی، صلابت و لایه لایه (طبقه) بودن آن توجه داده شده است که متأسفانه مسلمانان در طول قرون گذشته، با غفلت و بی‌توجهی تأسف باری، از کنار آن گذشته و عمدتاً "خدا" را، به جای نظاره در طبیعت و آیات تکوینی او در آفاق و انفس، عمدتاً در فقه و فلسفه و کلام ذهنی، جستجو کرده‌اند.

آنچه در این مختصر ارائه می‌شود، اشاره‌ای است کوتاه به رئوس مطالبی که در زمینه "هفت آسمان" در قرآن آمده است:

- طرح کلی موضوع
- ماهیت "بروج" داشتن آسمان
- ماهیت تنوع، زیبایی و استحکام
- سپر سخت
- اشاره اجمالی به عملکرد
- انتقاد از عدم توجه
- تأکید بر یکپارچگی و پاره نبودن
- مصداقی مهم از برکت
- تسبیح هفت آسمان چگونه است؟
- مرحله زمانی تشکیل هفت آسمان
- هفت آسمان در ارتباط با هفت قشر زمین

طرح کلی موضوع

لحظه‌ای خودتان را به جای مسلمانان اولیه‌ای قرار دهید که گام به گام، از همان نخستین سال نزول وحی، به تدریج با حقایق قرآنی آشنا می‌شدند. سیر و سفر شیرینی می‌بود اگر می‌توانستیم ترتیب نزول وحی را دقیقاً منطبق با حوادث تاریخی تعقیب می‌کردیم. در این صورت بهتر متوجه می‌شدیم خداوند حکیم موضوعات و احکام هدایتی خود را مطابق چه نظم و ترتیبی نازل کرده است.

یکی از این موضوعات، مسئله مبهم و پیچیده "هفت آسمان" است که قرن‌ها ذهن مفسرین و دانشمندان اسلامی را به خود مشغول داشته و نظریات گوناگونی، بر حسب دیدگاه علمی - تجربی خود، اظهار داشته‌اند. آیا خداوند علیم مسئله‌ای به این اهمیت را بدون آمادگی و مقدمات اولیه، به طور ناگهانی با همه جزئیاتش مطرح ساخته، یا با توجه به ظرفیت و توانائی درک و فهم مخاطبان، و عادت‌ی که آدمیان برای آموزش در زمینه‌های دیگر دارند، تدریجاً و با تأنی و ترتیب خاصی آموزش داده است؟

خوشبختانه تحقیقانی که در زمینه ترتیب زمانی نزول سوره‌ها و آیات قرآن انجام شده، و جدولی که تقدّم و تأخر آیات را نشان می‌دهد، می‌تواند ما را در بررسی شیوه تدریجی مطرح ساختن مسئله "هفت آسمان" در قرآن راهنمایی کند. (۱) اگر ۱۶ آیه‌ای را که به مسئله هفت آسمان مطرح می‌شود، به جدول ترتیب زمانی نزول سوره‌ها عرضه کنیم، ملاحظه می‌کنیم نخستین آیات سوره "بروج"، که اشاره‌ای کلی به این موضوع است، در اولین سال بعثت نازل شده است.

شگفتا، نام یک سوره در سال نخست به پدیده‌ای که همواره از دید ما پنهان بوده است اختصاص یافته است؛ بروج!!

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ.

سوگند به آسمان دارای (ماهیت) بروج! و به (رستاخیز) روز موعود، و سوگند به هر شاهد و مشهودی!!

ماهیت "بروج" داشتن آسمان

بروج (جمع برج) به قلعه‌هایی که در قدیم دور شهرها می‌کشیدند و از باروهای بلند آن دشمن را دیده‌بانی می‌کردند، گفته می‌شود. (۲) اصل این کلمه آشکار و هویدا بودن را بیان می‌کند. قلعه‌های نظامی نیز با

دیوارهای بلندشان در روزگار گذشته از فواصل دور هم دیده می‌شدند. قرآن آشکار کردن زینت و زیبایی زنان را "تَبَرُّج" نامیده و از آن (نسبت به نامحرمان) نهی کرده‌است:

احزاب ۳۳- تظاهر و زیبایی نمائی نکنید، آن چنان که در جاهلیت نخستین رسم بود.

اما اینکه چرا قرآن وصف "بروج" را برای آسمان به کار برده‌است، قابل تأمل و تحقیق است. بیشتر مفسرین بروج را همان ستاره‌ها شمرده‌اند که با چشمک زدن‌های خود در دل آسمان خودنمائی می‌کنند. اما به نظر می‌رسد مسئله فراتر از آن باشد و آیات مربوط به بروج، از پدیده دیگری سخن بگویند.

آیه فوق نشان می‌دهد که "بروج" امری ذاتی و درونی مربوط به آسمان دنیاست نه آسمانهای دور که جایگاه ستارگان است. اگر ستاره‌ها را به دلیل درخشش و ظهورشان بروج بنامیم، ماه و خورشید را هم که از آنها نورانی‌تراند باید بروج به حساب آوریم، در حالی که قرآن تفاوتی میان بروج و این اجرام قائل شده‌است:

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

فرقان ۶۱- چقدر برکت افراست خدائی که در آسمان بروجی قرار داد و (همچنین) چراغی و ماهی روشن پدید آورد.

با توجه به مفهوم "قلعه و باروی حفاظتی" داشتن کلمه "بروج"، به نظر می‌رسد در اولین اشاره قرآن به این پدیده، نقش حفاظتی هفت آسمان برای حیات زمینی مطرح شده باشد.

ماهیت تنوع، زیبایی و استحکام

در همان سال نخست بعثت اشاره اجمالی و کوتاه دیگری نیز به مسئله هفت آسمان شده‌است (۳) که پرده دیگری از راز و رمز این پدیده می‌گشاید:

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوكِ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

ذاریات ۷- سوگند به آسمانی که دارای ماهیت مختلف است، که شما نیز در گفتار گوناگون هستید.

آیه فوق، صفت "حُبُوك" را به آسمان نسبت داده‌است. (۴) حُبُوك چیست که "ذات" آسمان به شمار می‌رود؟ لغت‌شناسان، حُبُوك را جمع حِبَاك (یا حَبِیکه) به معنای "راه‌ها" (طرائق) ترجمه کرده‌اند و اصل این کلمه را "بستن و محکم کردن" دانسته‌اند. مفهوم "زینت و زیبایی" را هم در این کلمه قابل ملاحظه

از این اشارات لغوی می‌توان به طور کلی فهمید که سخن از پدیده‌ای است که هم متنوع (راه راه، لایه لایه، طیف گونه) است و هم استحکام و زیبایی در ذات آن "نهفته" می‌باشد.

سپر سخت

اگر میوه‌ها و محصولات درختی و زراعتی را پوسته محکمی محافظت می‌کند، زمین را نیز که پدیده پیچیده‌ای در پرورشگاه کهکشانی است، پوسته‌هایی همچون پیاز، از شر عوامل مضر و مزاحم حفظ می‌کند.

سومین اشاره اجمالی قرآن به این پدیده، در سال دوم بعثت، در سوره "نبأ" آمده است. پس از توجه دادن مؤمنین به آیات خدا در: زمین، کوه‌ها، زوجیت، خواب آرام بخش، روز روشنی بخش برای کار و تلاش، خورشید نور و حرارت بخش، ابرهای انباشته از باران و ... در وسط این آیات اضافه می‌کند:

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا

آیه ۱۲- و بر فراز شما هفتی قرار دادیم که محکم و سخت است؟!!

در اینجا تنها صفتی که برای "هفت" (سبعاً) آورده، "شِدَاد" است. شِدَاد جمع شدید است که به هر چیز محکم و سخت گفته می‌شود. یعنی هر یک از اجزاء آن هفت، محکم و سخت است. ریشه این کلمه "شد" است که مفهوم "محکم بستن" دارد. به این ترتیب می‌توان گفت زمین با پوشش و پرده محافظتی که هفت لایه دارد، محکم بسته شده است!

اشاره اجمالی به عملکرد

یکسال بعد، در سال سوّم بعثت، گویا وقت آن رسیده بود که پیروان اولیه پیامبر، در حد درک و دانش خود و در قالب زبان و کلماتی که برای نیازهای اولیه یک جامعه قبیله‌ای قوام یافته بود، با نقش اصلی هفت آسمان آشنا شوند، که برای دو هدف اساسی:

• ۲- حفاظت (از حیات)، سامان یافته است، آشنا شوند.

آیات ۵ تا ۱۱ سوره صافات و آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره حجر (نازل شده در سال چهارم بعثت) چنین نقشی را عهده‌دار گشتند.

درباره نخستین نقش هفت آسمان (زینت بخشی، زیبایی آفرینی)، نکته قابل توجهی را که مطرح ساخته، و ما امروز با استفاده از اکتشافات علمی در فضا بهتر از گذشتگان می‌توانیم به آن آگاهی یابیم، منحصر بودن این زیبایی به لایه پائینی آسمان (نه تمامی لایه‌های هفتگانه) است، که با دو تعبیر مورد تصریح قرار گرفته است:

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

صافات ۶- ما آسمان نزدیکتر را با زینت ستارگان آراستیم

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

حجر (۱۵) ما در آسمان برج‌هایی (برای مراقبت) قرار دادیم و آن را برای ناظرین (از سطح زمین) آراستیم.

همانطور که می‌دانید، و در کتابهای متعدد علمی مربوط به این موضوع هم نوشته شده‌است، (۵) رنگ لاجوردی آسمان، شفق سرخ رنگ، تالائو ستارگان و رژه متنوع ابرها مختص طبقه زیرین جو است که به دلیل غلظت هوا، امکان این زینت و تجزیه نور را فراهم می‌کند و فراتر از این طبقه، آسمان سیاه و ساکت است.

درباره دومین نقش آسمان (مکانیسم حفاظت)، و برای بیان چگونگی این فرآیند، از کلمه شیطان که ظرف لغوی برای معرفی هر موجود (یا پدیده) سرکش و متمرّد است، استفاده کرده است. گرچه مسلمانان غیر عرب، در این روزگار لفظ شیطان را مساوی ابلیس تلقی می‌کنند، ولی معاصرین عرب زبان پیامبر از این خطای ترجمه‌ای مصون بودند.

در آیاتی که اشاره شد، پوسته محافظ زمین را سپری در برابر ذرات و اجرام رانده شده (شیطان رجیم) و پرتوهای غیر مفید خورشید برای حیات زمینی (شیطان مارد) معرفی کرده است. (۶)

در آیات مورد نظر، به طور کنائی، بر کلیات این نقش اشاره کرده‌است که شرح آن را در بخش‌های دیگر این نوشته انشاءالله می‌آوریم.

انتقاد از عدم توجه

اگر از دید ظاهری و چشم خرد ما، جوئی که حیات زمینی را در بر گرفته، غایب است و انگیزه و علاقه‌ای برای شناخت عملکردش در خود احساس نمی‌کنیم، هم به دلیل جهل عمومی نسبت به شگفتی‌های آن است، و هم هیچگاه محروم از آن نبوده‌ایم، که در غیبت و غربتش به یادش بیفتیم و قدرش بدانیم!!، و همین غفلت است که قرآن بارها به نقد و نگاه عبرت‌مان کشیده است.

درست است که دستاوردهای علمی دریچه‌های نوینی بر این پدیده شگفت گشوده است، که نسل‌های قبل را چنین نگاهی میسر نبود، ولی کلیات و اصل و اساس آن نیازی به علم ندارد. همچنانکه اندیشه کردن در نطفه‌ای که از آن آفریده شده‌ایم، برای هر آدم جاهل و بیسوادی که نه از "ژن" خبر دارد و نه در تمامی عمرش سخنی از جهان حیرت‌آور ژنتیک شنیده است، امکان‌پذیر و عبرت‌آموز است. برای هر انسانی که زیر سقف آسمان زندگی می‌کند، زیبایی و نقش آن از زوایای مختلف تأمل برانگیز می‌باشد. از همین روست که ملاحظه می‌کنیم خداوند از معاصرین نوح(ع) هم انتظار داشته است عنایتی به این آیه اعجاب‌آور می‌کردند:

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۷)

نوح ۱۶- آیا ندیدید که چگونه خدا هفت آسمان را تو در تو (مطبق) آفرید؟

واژه "کیف" در آیه فوق قابل توجه است، گوئی عقلانیت ایجاب می‌کرد در "کیفیت" این هفت طبقه قدری اندیشه می‌کردند! کند و کاو در "کیفیت" چتری که بر فراز ما قرار گرفته است، برای کسی که نگاهش به زمین دوخته نشده و گهگاه نیمه‌نگاهی هم به آسمان داشته‌باشد، همواره طرح شدنی است و فراموش کردن این نگاه از نظر قرآن مذمت‌آور است:

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۸)

سوره ق آیه ۶- آیا (منکران) به سوی آسمان بالای سرشان ننگریستند که چگونه (با چه کیفیتی) آن را بالا آوردیم (۹) و زینت بخشیدیم و (به گونه‌ای که) هیچ شکافی برای آن نیست؟

و همین هشدار را با مضمونی دیگر در سوره انبیاء تکرار کرده است:

أُولَئِكَ يَرْءِ الَّذِينَ كَفَرُوا... وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۱۰)

انبیاء ۳۲- آیا کسانی که حقایق را می‌پوشانند ندیدید که ... و آسمان را سقف نگاهدارنده‌ای قرار داده‌ایم و آنها نسبت به آیات آن بی‌توجه‌اند؟

می‌دانیم که "سقف محفوظ" بودن جو زمین، هم بیانگر حفاظتِ حرارات ناشی از تابش خورشید در روز و نقش گلخانه‌ای آن است، هم نگهداری اکسیژن و سایر عناصر لازم برای ادامه حیات، و هم بیانگر سپر محافظتی زمین در برابر سنگهای فضائی و بادهای خورشیدی (Solar Wind)، اشعه ماوراء بنفش و ذرات هسته‌ای مرگبار.

تأکید بر یکپارچگی و پاره نبودن

اگر گفته می‌شود لایه اوزون (Ozone) در قسمت فوقانی استراتوسفر (Stratosphere) به دلیل فرآورده‌های صنعتی مولد فلوروکربن (Fluorocarbon) آسیبی جدی دیده است، سقفی که خدا برای زمین ساخته بود، عیب و نقصی نداشت و از هر جهت کامل بود. این حقیقت را نیز حداقل در دو آیه به صراحت بیان کرده‌است:

سوره ق آیه ۶- آیا به آسمان بالای سرشان نمی‌نگرند که چگونه آن را بر افراشتیم و زینت بخشیدیم و هیچگونه شکافی بر آن نیست (مالها من فروج). (۱۱)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ

سوره ملک آیه ۳- همان (خدائی) که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. به گونه‌ای که در آفرینش خدای رحمان هیچگونه بی‌نظمی نمی‌بینی. (اگر شک داری) دیده بگشای، آیا شکافی می‌بینی؟ بار دیگر دیده بدوز، (سرانجام) نگاهت خسته و ناکام به سوی تو بازگردد (فرو افتد). (۱۲)

معنای کلمه فروج (جمع فرج = پارگی، شکاف) در آیه اول، برای فارسی زبان‌ها قابل فهم است. در آیه دوم همین معنا را با کلمه فطور (از فطر به معنای شکافتن) بیان کرده است:

هل ترى من فطور(آیا کوچکترین فطوری در آن می‌بینی)؟

اما برای کلمه تفاوت که در آیه دوم آمده (ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت) توضیح مختصری لازم است: "تفاوت" از ریشه "فوت" در باب "تفاعل" آمده است تا روابط متقابل دو (یا چند) پدیده را با هم بیان کند. معنای "فوت" از دست رفتن است و عدم تفاوت در پدیده‌ها، از دست ندادن یکدیگر است. یعنی همچون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته و منظم‌اند و ناهماهنگی و دور شدنی در کارشان نیست.

چرا چنین است؟

اگر ما از آیات آسمان بالای سرمان غافل هستیم، در عوض رب رحیم لحظه‌ای از آفرینش غافل نیست:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۳)

مؤمنون ۱۷- همانا بر فراز شما هفت راه آفریدیم و ما هرگز از خلق غافل نبودیم.

در آیه فوق به جای عنوان "طبقه" و یا صفت "شِداد" (سخت و محکم)، برای آسمان‌های هفتگانه، عنوان "طرائق" (جمع طریقه = راه) را برگزیده است. "مدار"های ستارگان نیز راه‌هایی (طریقه‌هایی) برای حرکت آنهاست و به همین وصف، هر یک از طبقات هفتگانه در ارتفاعی مشخص از سطح زمین قرار دارند که محدوده و مسیر جابجائی عناصر آن را معین می‌کند.

کلمه "طرائق" علاوه بر آیه فوق، فقط در آیه ۱۱ سوره جن (كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا) تکرار شده است که در آن مورد نیز مفید و غیر مفید بودن پدیده‌های پوشیده‌ای (جن) در آسمان مطرح شده است که ارتباط آن با موضوع مورد بحث، با توجه به آیات قبلی آن، بسیار روشن است.

مصدقی مهم از برکت

آیا می‌دانید همان خدائی که با کمال بخشیدن به آفرینش آدمی، به خود "فتبارک الله احسن الخالقین" (پس چقدر منشأ برکات است خدائی که بهترین آفریننده هاست) (۱۴) گفت، همان خدائی که نزول فرقان بر بنده‌اش محمدص را برای آگاهی بخشیدن بندگان از خطرات راه، برکت نامیده‌است، (۱۵) همان خدا نیز قرار دادن هفت آسمان را مصداق و نمونه بارزی از برکت و سرشار از خیر و خاصیت شمرده‌است! نگاه کنید

به آیه ذیل که در هفتمین سال بعثت چشم ما را از این زاویه بر هفت آسمان می‌گشاید تا مقدمه‌ای باشد برای تبیین دقیق‌تر و تفصیلی‌تری از جزئیات این برکت:

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

برکت افراست آنکه در آسمانها بروجی قرار داد و در میان آنها چراغی و ماهی روشن پدید آورد

برکت به چیزی می‌گویند که خیر آن ثابت و پاینده باشد، همچنانکه به آب راکد و ثابت "برکه" می‌گویند.

تسبیح هفت آسمان چگونه است؟

از جمله معضلات کار ترجمه و برگردان زبانی به زبان دیگر، انتقال مفاهیمی است که در فرهنگ دیگر معادل و مشابهی ندارد. واژه‌های زیادی در قرآن وجود دارد که نمی‌توان کلمات مناسبی در زبان فارسی برای آنها پیدا کرد و مترجمین این کتابها مجبور هستند یا با توضیحات اضافی در متن و پاورقی آن را جبران کنند، و یا به ترجمه تحت‌اللفظی نارسا اکتفا نمایند. یکی از این واژه‌ها "تسبیح" است که بر حسب موضوع آیه‌ای که در آن قرار گرفته است، معنای ویژه‌ای پیدا می‌کند و مترجم باید از آن آگاه باشد. از جمله این موارد، تسبیح آسمانها و زمین است که با درک عمومی از تسبیح انسان‌ها تفاوت دارد. قرآن، هم از تسبیح "رعد" به حمد پروردگار سخن گفته، (۱۶) و هم از تسبیح ماه و خورشید و ستارگان در مدار ویژه خود. (۱۷) بدون آنکه خواسته باشیم از نظر لغوی وارد ظرائف ادبی این واژه شویم، همین قدر به تناسب کاربرد این کلمه در گسترده آسمانها و زمین، می‌توان گفت عمل تسبیحی ماه و خورشید و ستارگان، یا رعد و برق و باد و باران، عمل اصلاحی مثبتی است که هر کدام در جایگاه ویژه خود انجام می‌دهند، به گونه‌ای که حذف آنها از مجموعه کلی، نقص و خللی در سیستم هماهنگ هستی به وجود آورد.

در مثالی برای تقریب به ذهن، می‌توانید کارخانه اتومبیل‌سازی عظیمی را تصور نمائید که علاوه بر مهندسين، تکنسين‌ها و کارگران فنی، صدها یا هزاران کارمند غیر فنی، از جمله پزشک، آشپز، باغبان و ... برای خدمات جانبی وابسته، در آن مجموعه کار می‌کنند تا به نوبه خود نواقص و نارسائی‌های بهداشتی، غذایی، روحی روانی، آرامش و زیبایی محیط کار و .. را ترمیم نمایند. عمل آنها را می‌توان به گونه‌ای "تسبیح" نامید. پدیده‌های جهان هستی نیز همچون افراد یک ارکستر، چشم به رهبر ارکستر دارند تا به فرمان او ساز مناسب خود را بزنند و کمبود این نغمه نعمت بخش را جبران نمایند.

با مقدمات فوق شاید آسان‌تر بتوان معنای تسبیح آسمانهای هفتگانه را، که آیه ذیل متضمن آن است، فهم کرد: (۱۸)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

اسراء ۴۴- آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست (با تبعیت گریز ناپذیر خود از قوانین خدا) او را تسبیح می‌کنند، و چیزی (در جهان) نیست مگر اینکه او را با ستایس تسبیح می‌کند، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید، همانا خدا (با وجود بی توجهی شما) بردباری آمرزگار است.

مرحله زمانی تشکیل هفت آسمان

بر حسب آنچه اخترشناسان می‌گویند، به ندرت ستاره‌ای را می‌توان یافت که همچون زمین دارای جوّ باشد. زمین نیز در آغاز آتمسفر امروزی را نداشت و طی فرآیندی از چرخه حیات گیاهی، به تدریج جوّ امروزی را پیدا کرد. اینهم از معجزات شگفت‌آور قرآن است که این نکته را نیز ناگفته نگذاشته است:

أَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

فصلت ۹ تا ۱۲- بگو چرا (نقش) خدائی را که زمین را در دو دوران آفرید، نادیده می‌گیرید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟! این است صاحب اختیار و سرور جهانیان (نه دیگری).

و طی چهار دوران، کوه‌های ثابت را روی زمین پدید آورد و در آن برکت نهاد و مواد غذایی آن را متناسب با نیاز و درخواست (تکوینی موجودات) اندازه نهاد.

آنگاه به (تکمیل و تنظیم) آسمان پرداخت، در حالیکه هنوز گازی شکل بود و به آسمان و زمین (به زبان آفرینش) گفت: خواه و ناخواه (به نظم و ترتیب) در آئید. گفتند: با میل و رغبت به (قبول) نظم در آمدیم. سپس آن توده گاز را طی دو دوران به (صورت) هفت آسمان تقدیر کرد و به هر آسمانی برنامه‌اش را وحی کرد؛ (به این ترتیب که) آسمان نزدیکتر را با چراغهایی آراستیم و محفوظ داشتیم. این است تقدیر (اندازه گذاری و نظم) خدای فرا دست دانا. (۱۹)

تأخر سامان دادن آتمسفر، پس از تکمیل آفرینش زمینی را، بار دیگر به گونه‌ای خلاصه و جامع در قرآن بیان کرده‌است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
سوره بقره ۲۹- اوست آنکه هر آنچه در زمین است به سود شما (در مسیر رشد و کمال انسان) آفرید، آنگاه به (تنظیم و تکمیل) آسمان پرداخت و آن را (به صورت) هفت آسمان سامان داد، و او به هر کاری تواناست. (۲۰)

هفت آسمان در ارتباط با هفت قشر زمین

که می‌دانیم، جوّ زمین مرکب از عناصری است که محصول فعل و انفعالات پوسته یا قشرهای درونی آن می‌باشد. ترکیب فعلی آتمسفر زمین ۷۹٪ ازت (Nitrogen) و ۲۰٪ اکسیژن و ۱٪ مجموع بقیه گازهاست. اکسیژن که مشخصه جوّ زمینی است، تقریباً به تمامه توسط گیاهان زمینی در فرآیند ویژه Cyano bacteria و احتمالاً خزّه‌های دریائی تولید می‌شود. این عناصر در طبقات زیرین جو به حالت متراکم و عادی و در طبقات فوقانی به صورت رقیق و تجزیه شده مولکولی وجود دارند.

بالاترین طبقه جوّ نیز که طبقه مغناطیسی (Magnetosphere) نامیده می‌شود، مستقیماً از پائین‌ترین قشر، یعنی هسته زمین ناشی می‌شود. به این ترتیب یک جریان دائمی و بده بستان مستمر میان زمین و آسمان وجود دارد. نکته قابل ملاحظه این است که چنین هماهنگی و همکاری هنرمندانه نیز مورد عنایت قرآن برای یادآوری بندگان و شناخت پروردگار عالم قرار گرفته است:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً.

طلاق ۱۲ - خداست که هفت آسمان را بیافرید و از زمین نیز همانند آنها (طبقات مختلفی مقرر داشت)؛ امر خدا میان آسمانها و زمین مستمراً نازل می‌شود، (۲۱) (این حقایق را بیان کردیم) تا بدانید خدا بر هر کاری توانا (اندازه‌گذار) است، و دانش او بر هر چیزی احاطه دارد.

آیه فوق که در سال هفتم بعثت (بیستم بعثت) نازل شده است، به نظر می‌رسد آخرین آیه‌ای باشد که با پیوند دادن میان هفت آسمان یا زمین، موضوع را خاتمه داده است.

آفرین به بنای آسمان!

در تنظیم مطالبی که ارائه گردید، همانطور که در آغاز اشاره شد، ترتیب زمانی نزول آیات رعایت گردید. آخرین آیه ای که در ارتباط با موضوع جلب توجه میکند، آیه ۲۲ سوره بقره است که از "بنای آسمان" به عنوان "آیه" ای برای عبادت خدای یکتا یاد میکند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً...

ای انسانها پروردگارتان را که شما و کسانی را که قبل از شما بودند آفرید عبادت کنید، باشد تا پروا بگیرید. همان که زمین را قرارگاه و آسمان را سرپناه شما قرار داد و ...

مردم عرب زبان معاصر نزول قرآن، به خیمه و هر نوع پوششی که آنها را از تابش آفتاب و باد و سرما و باران حفظ میکرد، بنا می گفتند، اما نه آنها با چشم ظاهر بنائی در آسمان خالی و یکنواخت می دیدند، و نه ما امروز (به استثناء دانشمندان فضائی به کمک تجهیزات دقیق علمی)! آیا کشف برج و باروی محافظتی و در عین حال بسیار زیبای زمین، نشانه ای از ربوبیت الهی نیست؟

۱- جداول شماره ۱۴ و ۱۵ کتاب سیر تحول قرآن نوشته مرحوم مهندس مهدی بازرگان، از انتشارات شرکت سهامی انتشار.

۲- در آیه ۷۸ سوره نساء نیز کلمه "بروج" به همین معنا آمده است: "هر کجا باشید مرگ شما را در می یابد، حتی در برج های بلند"

۳- هر چند جدول کتاب سیر تحول فقط ۶ آیه نخست این سوره را نازل شده در سال اول بعثت دانسته است و بقیه را در سال چهارم، اما با توجه به طول متوسط آیات، به نظر می رسد دو آیه بعدی هم مربوط به سال اول باشد

۴- در آیه مورد نظر آسمان با کلمه "السماء" که مفرد و معرفه است وصف شده که به آسمان ما مربوط می شود، نه آسمانهای بالاتر (سموات).

۵- جامع ترین این مباحث را به زبان فارسی می توانید در کتاب "هفت آسمان" ملاحظه نمایید.

۶- توضیح تکمیلی این مطلب را در مقاله "جن و انس" از همین قلم می‌توانید مشاهده کنید

۷- این آیه در سال ۴ بعثت به دنبال آیه قبلی نازل شده است.

۸- نازل شده در سال ۵ بعثت

۹- کلمه "بنینا" در آیه فوق از "بنا" به معنای بالا آوردن یک ساختمان می‌آید. جوّ زمین نیز محصولی از فعل و انفعالات پوسته و هسته‌های درونی است که از زمین به بالا صعود می‌کنند

۱۰- نازل شده در سال ۶ بعثت

۱۱- نازل شده در سال ۵ بعثت

۱۲- نزول در سال ۷ بعثت

۱۳- نزول در سال ۵ بعثت

۱۴- مؤمنون ۱۴

۱۵- فرقان ۱

۱۶- رعد ۱۳

۱۷- یاسین ۴۰

۱۸- نزول در سال ۸ بعثت

۱۹- جدول ۱۴ کتاب سیر تحول این آیات را نازل شده در سال ۹ بعثت معرفی کرده است.

۲۰- این آیه از آخرین آیاتی است که در سال اول هجرت درباره پدیده هفت آسمان نازل شده است

۲۱- منظور از نازل شدن دائمی امر خدا میان هفت آسمان و قشرهای مختلف زمین (یتنزّل الامر بینهن)،

هماهنگی حساب شده و تبادل انرژی و عناصر معین می‌باشد که به فرمان نازل شده از طرف خدا صورت می‌گیرد.

(والله اعلم)